

شورای بین‌المللی خطاناپذیری کتاب مقدس بیانیه‌ی شیکاگو درباره‌ی علم تفسیر کتاب مقدس

اجلاس اول از شورای بین‌المللی خطاناپذیری کتاب مقدس در ۲۶م تا ۲۸م اکتبر سال ۱۹۷۸ در شیکاگو با هدف تایید دوباره‌ی آموزه‌ی خطاناپذیری کتاب مقدس، واضح سازی درک آن و هشدار درباره‌ی انکارش تشکیل شد. در این هفت سالی که از اجلاس اول می‌گذرد، خدا به‌گونه‌ای فراتر از انتظار، این تلاش را مبارک فرموده است. نمایشی راضی‌کننده از ادبیات مفید آموزه‌ی خطاناپذیری و تعهد روزافزون به ارزش‌هایش، دلیلی برای ستایش پروردگار بزرگ ما است.

هنگامی که آشکار شد هنوز انجام وظیفه‌ی بزرگی باقی مانده است، کار در اجلاس اول پایان نیافت. با این‌که تشخیص دادیم که باور به خطاناپذیری کتاب مقدس برای حفظ اعتبارش اساسی است، ارزش‌های چنین تعهدی دقیقاً به همان اندازه‌ی فهم معنای کتاب مقدس واقعی است. بنابراین نیاز به اجلاس دوم در برنامه دو ساله‌ای تعیین، و مقاله‌هایی با مضمون‌هایی مربوط به اصول تفسیری و عرف تفسیر نوشته شد. حاصل چنین تلاشی برگزاری نشست‌ی در شیکاگو در تاریخ ۱۰م تا ۱۳م نوامبر سال ۱۹۸۲ بود که ما (کسانی که زیر این مقاله را امضاء کرده‌ایم) در آن شرکت داشته‌ایم.

به سیاق بیانیه‌ی شیکاگو سال ۱۹۷۸، در این جا تصدیق‌ها و انکارهایی را به‌عنوان ابرازی در نتیجه‌ی کارمان جهت روشن‌سازی مسائل و اصول تفسیر می‌آوریم. ما مدعی کمال یا رسیدگی اصولی به کل موضوع نیستیم اما این تصدیق‌ها و انکارها نشان‌دهنده‌ی اجماع قریب به ۱۰۰ شرکت‌کننده و ناظر در این کنفرانس است. شرکت در این گفت‌وگو تجربه‌ی سودمندی بود و دعا می‌کنیم که خداوند از نتیجه‌ی تلاش مجدانه‌ی ما استفاده کند که ما و دیگران را قادر سازد به نحو صحیح‌تری کلام خدا را به کار ببریم. (رساله‌ی دوم تیموتائوس ۲: ۱۵).

بندهای تصدیق و انکار

بند ۱

ما تصدیق می‌کنیم که اعتبار اصولی و قانونی کتاب مقدس، اعتبار خود خدا است و عیسی مسیح، خداوندگار کلیسا به آن شهادت می‌دهد.

ما مشروعیت جداسازی اعتبار مسیح از اعتبار کتاب مقدس یا متضاد دانستن این دو با همدیگر را نفی می‌کنیم.

بند ۲

ما تصدیق می‌کنیم همان‌گونه که مسیح خدا و انسانی در یک شخص است بنابراین کتاب مقدس به نحوی جدانشدنی کلام خدا با زبانی انسانی است.

ما انکار می‌کنیم که اگر همانند انسانیت مسیح که حتی حقیر شدنش مستلزم گناه باشد، سیاق بی‌آلایش و بشری کتاب مقدس خطا پذیری به دنبال دارد.

بند ۳

ما تصدیق می‌کنیم که شخص و کار عیسی مسیح کانون اصلی کل کتاب مقدس است.

ما انکار می‌کنیم که هر شیوه‌ی تفسیری که مسیح‌محور بودن کتاب مقدس را رد یا مبهم نماید، درست است.

بند ۴

ما تصدیق می‌کنیم که روح القدس که کتاب مقدس را الهام کرده، تا امروز و توسط همان کلام و در پیامش ایمان بیافریند.

ما انکار می‌کنیم که روح القدس چیزی را ضد آموزه‌های کتاب مقدس به کسی بیاموزد.

بند ۵

ما تصدیق می‌کنیم که روح القدس مؤمنان را قادر می‌سازد که از کتاب مقدس در زندگی خود استفاده کنند و آن را به کار بندند.

ما انکار می‌کنیم که انسان عادی می‌تواند جدای از روح القدس، پیام‌های روحانی کتاب مقدس را تشخیص دهد.

بند ۶

ما تصدیق می‌کنیم که کتاب مقدس حقیقت الهی را در اظهارات منطقی و متقن بیان می‌کند و اعلان می‌کنیم که حقیقت کتاب مقدس هم معقول و هم مطلق است. به علاوه تصدیق می‌کنیم که بیانیه‌ای درست است که مسائل را آن‌گونه که هستند، نشان دهد اما اگر آن‌ها را به درستی نشان ندهد، بیانیه غلط است.

ما انکار می‌کنیم که هرچند کتاب مقدس ما را برای رستگاری حکیم می‌سازد، حقیقت کتاب مقدس اما باید از نظر این کارکرد تعریف شود. هم‌چنین انکار می‌کنیم که خطا باید آنچه که تعمداً دیگران را فریب می‌دهد، تعریف شود.

بند ۷

ما تصدیق می‌کنیم که معنی که در هر متن کتاب مقدس بیان شده است، یکتا، قطعی و ثابت است.

ما انکار می‌کنیم که این یگانگی معنی، انواع کاربرد آن معنی را از بین می‌برد.

بند ۸

ما تصدیق می‌کنیم که کتاب مقدس حاوی آموزه‌ها و فرمان‌هایی است که در تمامی حوزه‌های فرهنگی و شرایط کاربرد دارد و بقیه فرمان‌هایی که خود کتاب مقدس آن‌ها را تبیین نموده، تنها در موقعیت‌های خاص کاربرد دارند.

ما انکار می‌کنیم که تفاوت میان فرمان‌های عمومی و خاص کتاب مقدس باید به وسیله‌ی عوامل فرهنگی و موقعیتی تشخیص داده شود. همچنین انکار می‌کنیم که می‌توان بسته به فرهنگ یا موقعیتی به صورت نسبی با فرمان‌های عمومی برخورد کرد.

بند ۹

ما تصدیق می‌کنیم که اصطلاح علم تفسیر را که از لحاظ تاریخی بر قوانین تفسیر دلالت می‌کند، می‌توان گسترش داد تا هر آنچه را که در فرآیند فهم معنی الهام کتاب مقدس و نحوه‌ی استفاده از آن در زندگی هست، بررسی کرد.

ما انکار می‌کنیم که پیام کتاب مقدس، برآمده از یا مختص فهم مفسر است. بنابراین انکار می‌کنیم که «افق‌های فکری» نویسنده کتاب مقدس با «افق‌های فکری» مفسر کتاب مقدس به درستی می‌توانند «ترکیب شوند» به صورتی که آنچه متن به مفسر منتقل می‌کند در نهایت با معنی بیان شده کتاب مقدس کنترل نمی‌شود.

بند ۱۰

ما تصدیق می‌کنیم که کتاب مقدس حقیقت الهی را به صورت کلامی از طریق انواع گسترده‌ای از قالب‌های ادبی بیان می‌دارد.

ما انکار می‌کنیم که هرگونه محدودیت‌های زبان انسان، کتاب مقدس را برای انتقال پیام خدا نابسند می‌کند.

بند ۱۱

ما تصدیق می‌کنیم که ترجمه‌های متن کتاب مقدس می‌توانند دانش و شناخت خدا را ورای تمامی مرزهای زمانی و فرهنگی انتقال دهند.

ما انکار می‌کنیم که معنای متون کتاب مقدس به حدی وابسته به فرهنگی است که از آن آمده، که فهم همان معنی در فرهنگ‌های دیگر غیرممکن است.

بند ۱۲

ما تصدیق می‌کنیم که در هنگام پرداختن به امر ترجمه‌ی کتاب مقدس و آموزش آن در بطن هر فرهنگی باید تنها از معادل‌های کارآمدی استفاده کرد که به محتوای آموزشی کتاب مقدس وفادار هستند.

ما مشروعیت اسلوب‌هایی را انکار می‌کنیم که نسبت به مطالبات ارتباط میان فرهنگی بی‌ملاحظه هستند یا معنی کتاب مقدس را در این فرآیند تحریف می‌کنند.

بند ۱۳

ما تصدیق می‌کنیم که آگاهی از طبقه‌بندی‌های ادبی (رسمی و از نظر سبک ادبی) بخش‌های مختلف کتاب مقدس برای تفسیر درست الزامی است و بنابراین نقد گونه‌ی ادبی را به‌عنوان یکی از ضوابط متعدد تحقیق درباره‌ی کتاب مقدس، ارج می‌نهیم.

ما انکار می‌کنیم که طبقه‌بندی‌های کلی که تاریخ‌مندی را انکار می‌کنند، ممکن است به‌درستی بر روایت‌هایی از کتاب مقدس تحمیل شده باشند که خود را واقعی نشان دهند.

بند ۱۴

ما تصدیق می‌کنیم که نوشته‌های کتاب مقدس درباره‌ی وقایع، مباحثه‌ها و گفتمان‌ها (هرچند در انواع گوناگونی از قالب‌های ادبی مناسب عنوان شده‌اند) با حقیقت تاریخی انطباق دارند.

ما انکار می‌کنیم که هر واقعه، مباحثه یا گفته‌ای که در کتاب مقدس گزارش شده، زاییده‌ی خیال نویسندگان کتاب مقدس بوده یا آن‌را با رسومشان آمیخته‌اند.

بند ۱۵

ما لزوم تفسیر کتاب مقدس را مطابق با معنی ادبی و معمولی آن تصدیق می‌کنیم. معنی ادبی، معنی دستور زبانی-تاریخی و همان معنایی است که نویسنده بیان می‌کند. تفسیر مطابق با معنی ادبی، تمامی صنایع ادبی و قالب‌های ادبی موجود در متن را در نظر می‌گیرد.

ما مشروعیت هر رویکردی را به کتاب مقدس که خود را به معنای آن منتسب دانسته اما با معنای ادبی و دقیق آن مغایرت دارد، نفی می‌کنیم.

بند ۱۶

ما فنون انتقادی معتبری را تصدیق می‌کنیم که باید در تشخیص متن معیار و معنای آن استفاده شود.

ما مشروعیت به‌کار گرفتن هر روش انتقادی از کتاب مقدس را نفی می‌کنیم که حقیقت یا صداقت معنی بیان شده توسط نویسنده یا هر آموزه کتاب مقدس را زیر سؤال می‌برد.

بند ۱۷

ما پیوستگی، هماهنگی و انسجام کتاب مقدس را تصدیق می‌کنیم و اعلان می‌کنیم که کتاب مقدس بهترین مفسر خودش است.

ما انکار می‌کنیم که کتاب مقدس را می‌توان طوری تفسیر کرد که یک متن، متنی دیگر را تصحیح یا یک متن، متنی دیگر را نفی کند. ما انکار می‌کنیم که نویسندگان پسین کتاب مقدس، متون پیشین کتاب مقدس را هنگام نقل قول از آن‌ها یا ارجاع به آن‌ها به غلط تفسیر کرده‌اند.

بند ۱۸

ما تصدیق می‌کنیم که تفسیر کتاب مقدس از خودش همیشه درست است و هرگز از معنی یگانه متن الهام و الهامی منحرف نگشته بلکه آن را روشن ساخته است. معنی یگانه کلام نبی شامل فهم آن کلمات توسط خود او می‌شود ولی محدود به آن نبوده و الزاماً در بردارنده‌ی نیت خداوند است که در اجرای آن کلمات ثابت می‌گردد.

ما انکار می‌کنیم که نویسندگان کتاب مقدس همیشه مفهوم کلی تمامی کلمات این کتاب را درک می‌کرده‌اند.

بند ۱۹

ما تصدیق می‌کنیم که هرگونه درک اولیه‌ای که مفسر در تفسیر کتاب مقدس وارد کرده باید در هماهنگی با آموزه‌ی کتاب مقدس باشد و می‌تواند به وسیله‌ی کتاب مقدس اصلاح گردد.

ما انکار می‌کنیم که کتاب مقدس باید با درک اولیه‌ی مغایر و متضاد با خودش همانند طبیعت‌گرایی، تکامل‌گرایی، علم‌گرایی، انسان‌گرایی سکولار و نسبیت‌گرایی سازگار و هم‌راستا باشد.

بند ۲۰

ما تصدیق می‌کنیم از آن‌جا که خداوند نویسنده‌ی تمامی حقیقت‌ها است، تمامی حقیقت‌ها چه کتاب مقدسی و چه فرا کتاب مقدسی خالی از تناقض و منسجم هستند و این‌که کتاب مقدس در هنگام بررسی مسائل مربوط به

طبیعت، تاریخ و یا هر چیز دیگر، حقیقت و راستی را می گوید. به علاوه تصدیق می کنیم که در بعضی موارد اطلاعات خارج از کتاب مقدس ارزش و اعتبار روشنگری آموزه های کتاب مقدس و اصلاح تفسیرهای غلط دارند.

ما انکار می کنیم که دیدگاه های فرا کتاب مقدسی، آموزه های کتاب مقدس را تکذیب می کنند یا بر کتاب مقدس اولویت و ارجحیت دارند.

بند ۲۱

ما هماهنگی بین مکاشفه خاص و عام را تصدیق می کنیم و از این روی، هماهنگی آموزه های کتاب مقدس را با حقایق طبیعی نیز تصدیق می کنیم.

ما انکار می کنیم که حقایق علمی عینی با معنی حقیقی متون کتاب مقدس در تعارض است.

بند ۲۲

ما کتاب پیدایش، فصل های ۱ تا ۱۱ را هم چون بقیه ی کتاب تصدیق می کنیم.

ما انکار می کنیم که آموزه های مندرج در کتاب پیدایش، فصل های ۱ تا ۱۱ افسانه ای هستند و فرضیه های علمی درباره ی تاریخچه ی زمین یا خاستگاه بشر ممکن است به بی اعتبار ساختن آموزه های کتاب مقدس درباره ی خلقت، دامن بزنند.

بند ۲۳

ما وضوح کتاب مقدس و مخصوصاً پیام آن را درباره ی رهایی از گناه تصدیق می کنیم.

ما انکار می کنیم که تمامی متون کتاب مقدس به یک اندازه واضح بوده یا به یک اندازه پیام آور رستگاری هستند.

بند ۲۴

ما تصدیق می کنیم که هیچ کس برای فهم کتاب مقدس به تخصص محققان کتاب مقدس وابسته نیست.

ما انکار می کنیم که اشخاص باید دستاوردهای تحقیقات فنی محققان کتاب مقدس را درباره ی کتاب مقدس، نادیده بگیرند.

بند ۲۵

ما تصدیق می‌کنیم تنها نوع موعظه‌ای که به شایستگی مکاشفه‌ی الهی و استفاده‌ی صحیح از آن‌را در زندگی نقل می‌کند، موعظه‌ای است که وفادارانه و با امانت، متن کتاب‌مقدس را به‌عنوان کلام خداوند شرح می‌دهد.

ما انکار می‌کنیم که واعظ پیامی از جانب خدا دارد که جدا و بیرون از کتاب‌مقدس است.

بیانیه‌ی شیکاگو درباره‌ی علم تفسیر کتاب مقدس

تفصیل

عبارات درپی آمده، درک مذهبی کلی را از مطالب بیانیه‌ی شیکاگو درباره‌ی علم تفسیر کتاب مقدس ترسیم می‌کنند که اولین بار به‌عنوان یک پیش‌نویس در واکنش به بیانیه تهیه شد. این عبارات در پرتوی بیانیه اصلاح شدند و پیشنهادهای ویژه‌ی زیادی را از محققان در طول کنفرانس دریافت کردیم که در آن تبیین و تنظیم شدند. اگرچه این بازبینی نتوانست به‌موقع تکمیل شده و در کنفرانس ارائه شود، دلایل خوبی اما برای لحاظ کردن جوهره‌ی آن برای بیان دقیق و گسترده‌ی دیدگاه مشترک امضاکنندگان این بیانیه است.

دیدگاه این تفصیل

خدای زنده، خالق و ناجی، سخن می‌گوید و کتاب مقدس الهام شده و خطاناپذیر که مکاشفه‌ی نجات‌بخش او را در طول تاریخ در مقابل ما گذاشته، امروزه ابزار برقراری ارتباط او با ما است. خدا کسی است که یک‌بار از طریق پسرش عیسی مسیح با جهان سخن گفت، هم‌چنان از طریق کتاب مقدس با ما به صورت عمومی و خصوصی صحبت می‌کند. بنابراین مسیحیان باید از طریق موعظه، تحقیق شخصی و تعمق همراه با دعا و در مشارکت با بدن مسیح که همانا مسیحیان هستند، به‌طور مداوم در تلاش باشند تا کتاب مقدس را به‌گونه‌ای تفسیر کنند که پیام الهی اصولی آن به ما به درستی تفهیم شود. قانون الهی ایمان و زندگی که در مفهوم کتاب مقدس و الهام معتبر آن است به صورت نوشتاری تدوین شده است و اگر پیام کتاب مقدس به‌درستی فهمیده و استفاده نشود، فایده‌ای نخواهد داشت. بنابراین بسیار مهم است که روش‌های نادرست تفسیر نوشته‌های کتاب مقدس را شناسایی و خنثی کرده و آن‌ها را با تفسیر امین کلام مصون از خطای پروردگار جایگزین کنیم.

این همان هدفی است که این تفصیل دنبال می‌کند. آنچه این تفصیل ارائه می‌دهد، چشم‌اندازی بنیادین از کار تفسیر در پرتوی سه باور و نگرش است. اول، کتاب مقدس که دستورالعمل خدا برای ما است، همواره درست و کاملاً قابل اعتماد است. دوم، علم تفسیر جهت پیکار برای اعتبار کتاب مقدس در کلیسای معاصر اهمیت حیاتی دارد. سوم، به دلیل این که دانش نسبت به خطاناپذیر بودن کتاب مقدس باید تفسیر را کنترل کند، ما را از نفی هر آنچه کتاب مقدس اثبات می‌کند، باز می‌دارد. بنابراین تفسیر باید گستره و اهمیت این خطاناپذیری را با تعیین مطالب مورد تایید کتاب مقدس روشن کند.

ارتباط بین خدا و بشر

خدا انسان را جهت دوستی عاشقانه و ابدی با خودش، از لحاظ شخصی و عقلانی به صورت خود آفرید تا در رابطه‌ای باشند که برپایه‌ی ارتباطی دو طرفه است: خدا کلام مکاشفه را خطاب به ما می‌فرستد و ما در جواب به

او با کلمات دعا او را عبادت و ستایش می‌کنیم. نعمت الهی زبان تا حدودی به این علت به ما داده شد که چنین تبادلهایی را ممکن سازد و تا اندازه‌ای هم به خاطر درمیان گذاشتن ادراک ما از خدا با دیگران، این نعمت به ما ارزانی شده است.

کتاب مقدس در هنگام تصدیق روند تاریخی از آدم تا مسیح (که به موجب آن خدا مشارکت را با نژاد و نسل هبوط یافته از نو بنیان نهاد) نشان می‌دهد که خداوند دائماً از زبان که موهبت خود اوست، استفاده می‌کند تا برای بشر پیام‌هایی راجع به این بفرستد که خدا چه کاری می‌کند و بشر باید چه کاری را انجام دهد. خدای کتاب مقدس از بسیاری از صنایع ادبی استفاده می‌کند: روایت می‌کند، اطلاع می‌دهد، آموزش می‌دهد، هشدار می‌دهد، دلیل می‌آورد، وعده می‌دهد، دستور می‌دهد، توضیح می‌دهد، عتاب می‌کند، درخواست می‌نماید و تشویق می‌کند. خدایی که ما را نجات می‌دهد، همان خدایی است که با همه‌ی این روش‌ها با ما سخن می‌گوید.

نویسندگان کتاب مقدس، مورخان، پیامبران، شاعران و معلمان همه از کتاب مقدس به عنوان کلام خدا یاد می‌کنند که خطابش به تمامی خوانندگان و شنوندگان آن است. پذیرش کتاب مقدس در مقام دعوت شخصی و حاضر آفریدگار به دوستی، تعیین معیارهای ایمان و دینداری نه تنها در زمان خویش بلکه در تمامی دوران‌ها، بخش‌های جدایی‌ناپذیر ایمان کتاب مقدسی هستند.

با این که وجود خدا در نظم طبیعت، در گذر تاریخ و با آزادی ضمیر انسان آشکار شده است، گناه، آدمی را در مقابل این مکاشفه‌ی عام، سرسخت و بی‌توجه می‌کند و مکاشفه‌ی عام تنها با زنمودی از خالق در جایگاه خداوند نیک جهانیان و قاضی عادل است. این مکاشفه درباره‌ی رستگاری از طریق عیسی مسیح حرفی نمی‌زند. بنابراین شناخت مسیح کتاب مقدس برای شناخت خدا و ارتباط با او یعنی ارتباطی که امروزه گناه‌کاران را به آن فرا می‌خواند، لازم است. هر جا پیام کتاب مقدس شنیده و خوانده می‌شود، در موعظه‌ها از آن استفاده می‌شود و آموزش داده می‌شود، روح القدس از طریق آن و با آن، کار گشودن چشم‌هایی که از لحاظ روحانی کور هستند و القای آهسته این شناخت را انجام می‌دهد.

خدا دلیل نوشته شدن کتاب مقدس است و روح القدس این کلام را به کار می‌گیرد که همه‌ی کسانی که آن را می‌خوانند، خاضعانه از خدا کمک می‌طلبند، توانایی فهم پیام نجات‌بخش را بیابند. کار روح القدس، ما را از مطالعات شخصی بی‌نیاز نمی‌کند اما آن را اثربخش می‌کند.

انکار خصیصه منطقی، کلامی و شناختی ارتباط خدا با ما، تناقض و تضادی که بعضی افراد بین مکاشفه‌ی شخصی و گزاره‌ای مدعی شده‌اند و شک به بسندگی زبانی که پیام حقیقی خدا از طریق آن به ما می‌رسد، اشتباهاتی اساسی هستند. قالب زبانی ساده زبان کتاب مقدس آن را به عنوان مکاشفه‌ی الهی نامعتبر نمی‌سازد. هم‌چنین شکل خادم فروتنی که کلمه را تبدیل به انسان کرد، خدا نیز این ادعا را نامعتبر نمی‌کند که عیسی به درستی، پدر را آشکار می‌سازد.

انکار این که خداوند کتاب مقدس را به اندازه نیازهای انسانی به شناخت خداوند جهت سعادت روحانی خودشان تنزل داده نیز یک اشتباه است. هر ابهامی که ما در کتاب مقدس می‌یابیم، ذاتی نیستند بلکه بازتابی از محدودیت‌های اطلاعاتی و بصیرتی ما است. کتاب مقدس به‌عنوان سرچشمه‌ی آموزه‌ها که ضمیر آدمی را مقید می‌کند و راهنمای زندگی ابدی و خداترسی که عبادت و خدمت‌مان به خدای خالق، عاشق و منجی را شکل می‌دهد، واضح و بسنده است.

اعتبار کتاب مقدس

کتاب مقدس، خودکشفی خدا از طریق کلمات بشری است. کتاب مقدس گواهی بر خدا و گواه خدا بر خودش است. کتاب مقدس نوشته‌ای الهی-انسانی و تفسیر کار رستگاری‌بخش خداوند در تاریخ، مکاشفه‌ی شناختی و حقیقتی خطاب به ذهنمان جهت فهم و پاسخ است. خدا منبع آن است و عیسی مسیح منجی مرکز مرجعیت و موضوع اصلی آن است. ارزش مطلق و پایدار آن به‌عنوان رهنمودی مصون از خطا برای ایمان و زندگی حاکی از این است که کتاب مقدس از جانب خدا است (رجوع کنید به رساله‌ی دوم تیموتائوس ۳: ۱۷-۱۵). به دلیل این که کتاب مقدس همانند انسانی کاملاً الهی است، حکمت الهی را در تمامی آموزه‌هایش بیان می‌کند و به نحوی قابل اطمینان سخن می‌گوید به این معنی که در اظهارات آموزنده‌اش مصون از خطا و خطاناپذیر است. کتاب مقدس مجموعه‌ای از نوشته‌های مقطعی است که هر یک از آن‌ها خصیصه و محتوای خاص خود را دارد و با هم‌دیگر پیکره‌ای از حقیقتی جهان مشمول را تشکیل می‌دهند. برای مثال خبر بدی درباره‌ی گناه کبیره انسان و نیازی که با خبر خوب ویژه‌ی درباره‌ی یک فرد یهودی در قرن اول پاسخ داده شده است. فردی که نشان داده شده که پسر خدا و تنها منجی جهان است. نسخه‌ای از کتاب مقدس که برآمده از این کتاب‌های سازنده است، به گستردگی زندگی است و به تمامی مسائل انسان و جنبه‌های رفتاری او مربوط است. در فضای پیش روی ما، کتاب مقدس در تاریخچه‌ی رستگاری یعنی قانون و کتاب مقدس، دستورات، وعده‌ها، تهدیدها، کارها و روش‌های خداوند و درس‌های عینی درباره‌ی ایمان و عبادت و عکس این قضایا و نتایج مربوط به آن‌ها) به ما چشم‌اندازی کامل را از موجودیت انسان نشان می‌دهد زیرا خدا می‌خواهد ما آن (این چشم‌انداز) را ببینیم.

اعتبار کتاب مقدس مقید به اعتبار عیسی مسیح است که کلمات ثبت شده‌اش اصلی را بیان می‌کند که آموزه‌های کتاب مقدس اسرائیل (عهد عتیقی که در اختیار ماست) به همراه آموزه‌های خودش و شهادت شاگردان (عهد جدیدی که در اختیار ماست) قانون ایمان و سلوک مقرریش را برای پیروانش تشکیل می‌دهد. او کتاب مقدس خود را نقد نکرد اما از تفسیر غلط آن انتقاد می‌کند، او اعتبار پاینده بر خودش و حواریونش را تصدیق کرد (رجوع کنید به انجیل متی ۵: ۱۹-۱۷). بنابراین جداسازی اعتبار عیسی مسیح از اعتبار کتاب مقدس و بالعکس، اشتباه است. همچنین رو در رو قرار دادن یکی از حواریون با یکی دیگر از آن‌ها یا مقابله آموزه‌های یکی از آن‌ها در یک زمان و آموزه‌های همان فرد در زمانی دیگر، اشتباه است.

روح القدس و کتاب مقدس

روح القدس خدا که نویسندگانی از جنس انسان را برانگیخت تا کتابهای مقدس را بنویسند، اکنون کتابها را با قدرتش همراهی می کند. او کلیسا را به سمت شناخت الهام در فرآیند مرجع قرار دادن آن رهنمون شد. وی دائماً چنین درکی را برای افراد از طریق تاثیر بی نظیر کتاب مقدس بر کلیسا تصدیق می کند. روح القدس آنها را در طول مطالعه، دعا، عبادت و یادگیری در کلیسا جهت فهم و وقف نمودن خود به آموزه های کتاب مقدس و شناخت تثلیث زنده ارائه شده در کتاب مقدس کمک می کند.

روشن گری روح القدس را تنها در جایی باید انتظار داشت که کتاب مقدس عمیق مطالعه شود. روشن سازی روح القدس حقیقت جدیدی را ورای گفته های کتاب مقدس به دست نمی دهد بلکه ما را قادر می سازد تا بتوانیم چیزی را ببینیم که کتاب مقدس در تمام مدت به ما نشان می داده است. نور او ضمیر ما را به کتاب مقدس (کلام خدا) پیوند می دهد و به ما شادی و ستایش می بخشد (زیرا معنای کلام خدا را فهمیده ایم). در مقابل، گرایش عقلانی و احساسی ذاتی به بی اعتنایی یا مجادله با آموزه های کتاب مقدس از روح القدس نشأت نمی گیرد بلکه منبع دیگری دارد. سوء تعبیرها و تفسیرهای اشتباه مشهود کتاب مقدس نمی توانند به هدایت روح القدس نسبت داده شوند.

ایده ی علم تفسیر

درک مرسوم از علم تفسیر کتاب مقدس این بوده است که علم تفسیر، مطالعه ی اصول فهم صحیح متن کتاب مقدس است. ممکن است «درک» در سطح نظری و مفهوم ناگهان متوقف شود یا ممکن است با پذیرش و تعهد به ایمان پیشرفت کند تا از طریق آگاهی شخصی از خدا تجربی شوند. خدایی که تمامی نظریه ها و مفهوم به او رجوع می کنند. برای فهم نظری کتاب مقدس چیزی بیش تر از آنچه را که برای فهم هر نوع ادبیات باستانی لازم است (که همان دانش کافی درباره ی زبان و پیش زمینه و همدلی کافی با زمینه ی فرهنگی متفاوت است) نیاز نداریم. اما بدون روشن گری روح القدس، هیچ درک تجربی از کتاب مقدس (شناختی شخصی از کتاب مقدسی که به آن اشاره دارد) نداریم. علم تفسیر کتاب مقدس روشی را بررسی می کند که بتوان با آن به هر دو سطح درک دست یافت.

گستره ی تفسیر کتاب مقدس

کلی ترین تعریف از وظیفه مفسر این است که معنای تاریخی کتاب مقدس و معنای امروزی کتاب مقدس برای را درک کند. (که همان نحوه استفاده از آن در زندگیمان است). این وظیفه شامل سه فعالیت پیوسته است.

اول تأویل یا همان استخراج چیزهایی است که خداوند به واسطه‌ی نویسندگان انسانی به خوانندگان مدّ نظر این نویسندگان بیان می‌کند.

دوم نوبت تلفیق است که همان مرتبط سازی هر کار تأویلی با دیگر آموزه‌های در دسترس کتاب مقدس مربوط است. تنها در چنین چارچوب مرجعی می‌توان معنای کامل آموزه‌های تفسیر گشته را تشخیص داد.

سوم نوبت استفاده از آموزه‌های تفسیر گشته (که به همان اندازه‌ی آموزه‌های الهی واضح هستند) جهت تصحیح و نظارت بر فکر و عمل است. کاربردی بر پایه دانش درباره‌ی شخصیت پرودگار و اراده او، طبیعت انسان و نیازش، عمل نجات‌بخش عیسی مسیح، جنبه‌های تجربی خداترسی که شامل زندگی رایج کلیسا و رابطه چند جانبه بین خدا و جهان او (شامل برنامه‌اش برای تاریخ که واقعیت‌هایی هستند که در سال‌های متمادی تغییر نمی‌کند) است. هر دو عهد دائماً با چنین مسائلی سروکار دارند.

تفسیر و استفاده از کتاب مقدس معمولاً در موعظه اتفاق می‌افتد و تمامی موعظه‌ها باید بر اساس این رویه سه مرحله‌ای باشند. در غیر این صورت از آموزه‌های کتاب مقدس برداشت‌های غلط و استفاده‌ی غلط شده و موجب سردرگمی و نادانی درباره‌ی خدا و روش‌های او می‌شوند.

قواعد صوری تفسیر کتاب مقدس

استفاده وفادارانه از منطق در تفسیر کتاب مقدس، جنبه‌ی خدمتی دارد نه جنبه‌ی آمرانه و مستبدانه. مفسر ایمان‌دار از ذهنش نه برای تحمیل یا ساخت معنی، بلکه برای فهم معنی که از قبل در مطالب وجود دارد، استفاده خواهد کرد. کارها و آثار محققانی (که خودشان غیر مسیحی بودند) قادر به درک دقیق از دیدگاه‌های کتاب مقدسی بوده‌اند و منبع ارزشمندی در بخش نظری کار مفسر به‌شمار می‌روند.

الف. تفسیر باید به معنای تحت‌اللفظی یعنی همان معنی لغوی که هر متن به همراه دارد وفادار بماند. همیشه نخستین پژوهش درباره‌ی این است که نویسنده‌ای که خدا از او استفاده کرده، از نوشتن نوشته‌هایش چه منظوری داشته است؟ انضباط تفسیر از هر گونه تلاش برای فراتر رفتن از متن جلوگیری می‌کند. دقیقاً به همان صورت که از انتساب معانی خاص به متن کتاب مقدس جلوگیری می‌کند که نمی‌توان آن‌ها را از متن استنتاج کرد و از شروع تفکراتی که ناشی از متنی است که از بخشی از جریان فکری بیانی نویسنده برنخاسته است، در ما جلوگیری می‌کند. نمادها و صنایع ادبی باید همانگونه که هستند، پذیرفته شوند و باید از برداشت تمثیلی دلخواه (که با نمادشناسی استخراجی که آشکارا در ذهن نویسنده متفاوت است)، از آن‌ها اجتناب ورزید.

ب. باید با روش دستور زبانی-تاریخی، در جستجوی معنی تحت‌اللفظی هر متن باشند که در واقع بپرسند که چه روشی از لحاظ زبان شناختی برای فهم کتاب مقدس در موقعیت تاریخی آن طبیعی است؟ در اینجا مطالعه‌ی متنی، تاریخی، ادبی، نظری به همراه مهارت‌های زبانی، فلسفی، معنایی و منطقی به نظر بهترین راه برای پیشرفت

هستند. متون باید در بافتار کتابی تفسیر شوند که خود، بخشی از آن هستند و باید دائماً در جستجوی منظور نویسنده باشند که از منظور منابع شناخته شده و مفروضات متفاوت است. استفاده مشروع از زمینه‌های انتقادی متفاوت، نباید تمامیت حقیقت منظور نویسنده را زیر سوال ببرد بلکه باید فقط ما را کمک کند تا آن را اثبات کنیم.

تفسیر باید به اصل هماهنگی در مطالب کتاب مقدس وفادار بماند. کتاب مقدس تنوع گسترده‌ای از مفاهیم و عقاید را در چارچوب ایمان مشترک و تسریع برملا کردن حقیقت الهی در سیر کتاب مقدس ارائه می‌کند. چنین تفاوت‌هایی را نباید کوچک شمرد اما پیوستگی که شالوده چنین تنوعی است، نباید از هیچ جهتی از نظر ناپدید شود. برای تفسیر کتاب مقدس، باید از خود کتاب مقدس، کمک بگیریم و این موضوع را از لحاظ شیوه رد کنیم که متون مخصوصی (که منبع تمامیشان روح القدس است) شاید در اصل با یکدیگر متناقض باشند. حتی وقتی که نمی‌توانیم در حال حاضر به گونه‌ای متقاعدکننده هماهنگی بینشان را نشان دهیم، باید بر اساس این پیش برویم که در واقع تمامی متون با یکدیگر هماهنگ است و دانش و شناختی کامل‌تر این را نشان خواهد داد.

تفسیر باید طبق قوانین کلیسا باشد به این معنی که آموزه‌های کتاب مقدس در کل باید همیشه به صورت چارچوبی دیده شود که در نهایت باید به واسطه آن به فهمی از هر متن مخصوص رسید و باید در نهایت فهم ما متناسب با این چارچوب باشد.

رشته‌ی نقد گونه ادبی که در کتاب‌های مقدس و متون ویژه‌ی آن به دنبال شناسایی مقوله‌های ادبی متفاوت به لحاظ سبک، قالب و محتوا است، کمک ارزشمندی در تعیین معنی تحت‌اللفظی متون کتاب مقدس است. حداقل بخشی از گونه ادبی که هر نویسنده با استفاده از آن متن خود را می‌نویسد، به فرهنگ او وابسته است و از طریق دانش همان فرهنگ تصریح می‌شود. از آنجایی که برداشته‌های اشتباه درباره‌ی گونه ادبی موجب سوء تعبیرهایی درباره‌ی مطالب کتاب مقدس می‌شود، مهم است که از این رشته مخصوص غفلت نکرد.

مرکزیت عیسی مسیح در پیام کتاب مقدس

عیسی مسیح و فیض نجات‌بخش خدا در او درون‌مایه مرکزی کتاب مقدس محسوب می‌شوند. عهد عتیق و عهد جدید هر دو گواهی بر عیسی مسیح هستند و تفسیر عهد جدید از عهد عتیق دائماً بر او اشاره دارد. گونه‌ها و پیش‌گویی‌های عهد عتیق در انتظار برای ظهور او، مرگ کفارهای او، رستخیز او، پادشاهی او و بازگشتش است. کار و خدمت کاهنان، پیامبران و پادشاهان، مراسم مذهبی با بنیان الهی و پیشکش قربانی و الگوهای عمل رستگاری‌بخش در تاریخ عهد عتیق، همگی اهمیت مخصوصی در از پیش خبردهی درباره‌ی عیسی مسیح دارند. معتقدان به عهد عتیق مشتاق ظهور او بودند و با ایمانی که عیسی مسیح و پادشاهی او مرکز آن بود، زندگی کردند و نجات یافتند. همان‌گونه که امروزه مسیحیان با ایمان به عیسی مسیح نجات می‌یابند. عیسی مسیح منجی که به خاطر گناهان ما مرد و الان زنده است و حکومت می‌کند و روزی خواهد باز گشت. سوألی در این مورد نیست

که کلیسا و پادشاهی عیسی مسیح در مرکزیت برنامه الهی هستند که کتاب مقدس نمایانش می‌کند. گرچه اختلاف عقیدتی درباره‌ی نحوه‌ی دقیق ارتباط کلیسا و پادشاهی با یکدیگر وجود دارد. هرگونه تفسیر کتاب مقدس که مرکزیت عیسی مسیح را در آن دائماً نادیده می‌انگارد، باید اشتباه دانسته شود.

دانش کتاب مقدسی و دانش فرا کتاب مقدسی

از آنجایی که تمامی حقایق باهم همبستگی دارند، حقیقت درباره‌ی آن‌ها نیز باید منسجم باشد. و از آنجایی که خدا (نویسنده‌ی تمامی کتاب مقدس) خداوندگار تمامی حقایق نیز هست، در اصل هیچ تضادی بین فهم درست از گفته‌های کتاب مقدس و گزارشی درست از حقیقت وقایع در نظم خلق گشته نمی‌تواند وجود داشته باشد. هرگونه تضاد ظاهری در این‌جا بر سوء تعبیر و دانش ناکافی (درباره‌ی آنچه که کتاب مقدس تصدیق می‌کند و حقایق جهان خارج از کتاب مقدس که در واقع چه هستند) استدلال دارد. پس این فراخوانی برای ارزیابی مجدد و تحقیقات بیش‌تر خواهد بود.

اظهارات کتاب مقدس و علوم طبیعی

گفته‌های کتاب مقدس درباره‌ی طبیعت مانند بقیه گفته‌های آن، درست و قابل اعتماد است. گرچه با زبانی عادی درباره‌ی پدیده‌های طبیعی صحبت می‌کند ولی از اصطلاحات فنی توضیحی دانش مدرن استفاده نمی‌کند. وقایع طبیعی را نه از لحاظ روابط علل و معلولی در نظم خلق گشته توسط خدا، بلکه به لحاظ قوه‌ی قهریه‌ی او نقل می‌کند و اغلب فرآیندهای طبیعی را نه به صورت تحلیلی و کسل کننده (همان‌گونه که علوم مدرن به دنبال توصیف تحلیلی و کسل کننده هستند) بلکه به صورت تمثیلی و شاعرانه توصیف می‌کند. به همین دلیل است که به‌سختی می‌توان از اختلاف عقیده درباره‌ی گزارش علمی صحیح درباره حقایق و وقایع طبیعی (که کتاب مقدس آن‌ها را محترم می‌شمارد) اجتناب ورزید.

باید به‌خاطر سپرده شود که کتاب مقدس به ما ارزانی شد تا خدا را آشکار سازد نه برای این که مسائل علمی را از منظر علمی حل کند و به همین دلیل از زبان علمی مدرن استفاده نمی‌کند. بنابراین نیازی به دانش علمی درباره‌ی فرآیندهای داخلی خلقت خداوند برای فهم پیام اصلی درباره‌ی خداوند و خودمان نیست. کتاب مقدس دانش علمی را با مرتبط‌سازی به هدف آشکار شده و کار خداوند تفسیر می‌کند. بنابراین بافتاری نهایی برای مطالعه و بهسازی نظرات علمی ایجاد می‌کند که نه برای این است که نظریه‌های علمی به کتاب مقدس دیکته کنند که چه بگویند و چه نگویند، بلکه برای اینست که اطلاعات خارج از کتاب مقدس بعضی اوقات به‌گونه‌ای مفید نشان می‌دهند که بعضی تفاسیر از کتاب مقدس اشتباه هستند.

درحقیقت، پرسش درباره‌ی اظهارات کتاب مقدس درباره‌ی طبیعت در پرتوی دانش علمی درباره‌ی موضوع بحث ممکن است به کسب تأویلی دقیق‌تر از آن‌ها کمک کند. گرچه تأویل را کتاب مقدس باید کنترل کند، نه این‌که

دائماً از طریق ملاحظات فرعی شکل داده شود، انگیزه‌ی فرآیند تأویل همواره با به چالش کشیدن متن برای دریافت معنای آن، همراه است.

هنجار و فرهنگ در مکاشفه‌ی کتاب مقدسی

همان‌گونه که در کتاب مقدس حقایق تغییرناپذیری را درباره‌ی خدا و اراده‌ی بیان شده‌اش در انواع قالب‌های کلامی می‌یابیم، می‌فهمیم که آن‌ها در انواع بافتارهای فرهنگی و موقعیتی کاربرد دارند. تمام آموزه‌های کتاب مقدس درباره‌ی رفتار هنجاری امروزی، کاربردی نیست. بعضی کاربردهای اصول اخلاقی محدود به مخاطبان اندکی هستند. طبیعت و اندازه‌ی این کاربردها را خود کتاب مقدس معین می‌کند. یکی از وظایف تأویلی این است که این حقایق مطلق و هنجار را از آن جنبه‌هایی از کاربرد ثبت شده‌ای تمیز دهد که نسبت به موقعیت‌ها متغیر هستند. تنها وقتی که چنین تمایزی انجام شود، می‌توانیم امیدوار باشیم که ببینیم این حقایق مطلق در فرهنگمان چه کاربردی دارند.

قصور در بینش این که چطور کاربرد خاصی از اصلی مطلق از لحاظ فرهنگی معین شده است (برای مثال، همان‌گونه که اکثر مردم درباره‌ی دستور پولس به این که مسیحیان هنگام سلام و احوال‌پرسی روبوسی کنند، توافق دارند) و برخورد نسبی فرهنگی با مطلق‌ی آشکار شده (برای نمونه، همان‌گونه که اکثر مردم درباره‌ی منع خدا درباره‌ی هم‌جنس‌گرایی در کتب پنج‌گانه عهد عتیق توافق دارند) هر دو اشتباه هستند. با وجود این که پیشرفت‌های فرهنگی از جمله ارزش‌های عرفی و تغییرات اجتماعی اخیر مجاز هستند که به‌درستی، روش‌های سنتی استفاده از اصول کتاب مقدسی را به چالش بکشند، ولی نباید به‌نحوی به‌کار گرفته شوند که این اصول را تغییر دهند یا در کل، از استفاده از آن‌ها بپرهیزند.

باید اقدامی دیگر در ارتباطات میان فرهنگی انجام بشود. آموزگار مسیحی باید مطلق‌های آشکار شده را از نو در زندگی اشخاصی به کار گیرد که فرهنگی متمایز از فرهنگ خود دارند. ضرورت این وظیفه اهمیت وضوح توضیحات آموزگار مسیحی را (درباره‌ی آن‌چه که در ارائه‌ی اراده و کار خدا در کتاب مقدس مطلق است و کاربرد نسبی فرهنگی آن) نشان می‌دهد. پرداختن به این امر، می‌تواند او را با آگاهی بیش‌ازپیش درباره‌ی کاربردهای با وضوح بیش‌تر راهنمایی کند که به لحاظ فرهنگی شرطی شده‌ی حقیقت کتاب مقدس (که باید متناسب با متغیر فرهنگی تعدیل شود)، هستند.

ملاقات با خدا از طریق کلام خودش

قرن بیستم شاهد تلاش‌های بسیاری برای حمایت از استفاده‌ی ابزاری مثبت کتاب مقدس در آوردن کلام خداوند برای ما دارد، در حالی که هنوز منکر این است که کلام خدا در متون کتاب مقدس برای تمامی ادوار است. چنین دیدگاهی متن کتاب مقدس را گواه ممکن‌الخطا انسانی می‌دانند که به وسیله‌ی آن خدا بینش‌هایی را شکل

می‌دهد و تهییج می‌کند که از طریق موعظه و مطالعه کتاب مقدس به ما ارزانی می‌دارد. اما قسمت اعظم چنین دیدگاه‌هایی منکر این می‌شوند که کلام خدا، ارتباطی شناختی است و بنابراین به طرز گریزناپذیری به اشتباه در عرفان تجسمی و عینی غوطه‌ور می‌شود. هم‌چنین انکار این که کتاب مقدس کلام الهی بی‌غرضانه است، رابطه‌ی بین کلام و متن را دائماً غیرقابل دفاع و در نتیجه غامض می‌کند. این قضیه درباره‌ی تمامی اشکال فعلی الهیات نورا است کیشی و هستی‌گرایی از جمله به اصطلاح «علم تفسیر جدید» صدق می‌کند که نوع افراطی و نامتجانس از رویکردی است که توصیف کردیم.

نیاز به درک تفاوت‌های فرهنگی بین جهان ما و جهان نویسندگان کتاب مقدس و آمادگی برای یافتن خدا از میان کلامش، که فرض‌های قبلی و محدودیت‌های چشم‌انداز کنونی ما را به چالش می‌کشند، دو مؤلفه‌ی اصلی مربوط به «علم تفسیر جدید» هستند. اما هر دو در واقع به فهم کار تفسیر تعلق دارند که این تفصیل شرح داده است.

این قضیه در مورد تاکید به واقعیت ملاقات دگرگون کننده با خدا و پسرش عیسی مسیح از طریق کتاب مقدس در الهیات هستی‌شناسانه صدق می‌کند. قطعاً شکوه پر جلال کتاب مقدس این است که در واقع آن‌ها میانجی دوستی زندگی بخش خدای مجسم (عیسی مسیح زنده) است که به ناجی الهی بودنش، شهادت می‌دهند. ناجی که کلامش «روح و حیات» است (انجیل یوحنا ۶: ۶۳). اما مسیحی وجود ندارد که مسیح کتاب مقدس را نجات بدهد و در حقیقت تنها به میزانی که به سخنان کتاب مقدس درباره‌ی عیسی مسیح و برنامه الهی که متمرکز بر او اطمینان می‌شود، می‌توان منتظر تحقق ملاقات روحانی با عیسی مسیح بود. به وسیله‌ی تفسیر منظم کتاب مقدس قابل اعتماد است که خدای پدر و پسر از طریق روح القدس خود را به بشر گناهکار می‌شناسانند. جهت چنین ملاقات‌های متحوّل کننده‌ای، اصول و رویه‌های علم تفسیر ذکر شده در اینجا می‌تواند مسیر را علامت گذاری محافظت نماید.

جی. آی. پکر